

گزارهٔ راهبردی رهبر انقلاب در دیدار با مداحان

آرایش رسانه‌ای باید تغییر کند

ایران اسلامی در سالروز میلادپریرکت حضرت فاطمه‌زهر(س)، سراسر نور و سرور و شادمانی بود. به همین مناسبت در حسینیه امام خمینی (ره) نیز در حضور رهبر انقلاب اسلامی و هزاران نفر از معبان اهل‌بیت(ع)، مراسم پرشور مدیحه‌سرایی، شعرخوانی و منقبت سیده النساء‌العالمین برگزار شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این مراسم که حدود سه‌ساعت طول کشید، باتر یک‌ولادت حضرت صدیقه طاهره(س) گفتند: «مردم ایران با مقاومت ملی، تلاش‌های مستمر دشمن برای تغییر «هویت دینی، تاریخی و فرهنگی» این ملت را ناکام گذاشته‌اند و امروز نیز ضمن ضرورت آرایش یافتن صحیح دفاعی و هجومی در مقابل فعالیت تبلیغاتی و رسانه‌ای دشمن برای حمله به «مغزها، دل‌ها و باورها»، ایران عزیز با وجود مشکلات و کمبودهای موجود در سراسر کشور، به حرکت روبه‌جلوی خود ادامه می‌دهد.»

الگویی از عدالت‌خواهی تا همسرداری

رهبر انقلاب باکرامیداشت تقارن ولادت امام خمینی (ره) با میلاد حضرت فاطمه زهرا(س)، فضائل و مناقب بانوی دو عالم را فراتر از فهم و درک بشر خواندند و افزودند: «باین همه، باید فاطمی بود و از آن بانوی اسوه در همه جهات از جمله دین‌داری، عدالت‌خواهی، جهاد تبیین، همسرداری، فرزندپروری و دیگر زمینه‌ها پیروی کرد.»

لزوم آسیب‌شناسی و تقویت مداحی

ایشان، مداحی را پدیده‌ای بسیار تأثیرگذار برشمرند و افزودند: «لازم است با تحقیق و پژوهش به عمق‌یابی، آسیب‌شناسی و جست‌وجوی راه‌های تقویت و تکامل ابعاد مختلف این پدیده حیرت‌انگیز پرداخت.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حرکت روبه‌جلوی مداحی نسبت به گذشته، مداحی را از پایگاه‌های ادبیات مقاومت خواندند و افزودند: «هر فکری و امری در صورت نداشتن ادبیات متناسب، به‌تدریج از بین می‌رود و مداحی و هیئت، امروز با تدوین، گسترش و انتقال ادبیات مقاومت، این ضرورت بسیار اساسی را تقویت می‌کند.»

نشانه‌های فشار تبلیغی دشمن

رهبر انقلاب «مقاومت ملی» را «تاب‌آوری و ایستادگی در مقابل انواع فشارهای سلطه‌گران» تعریف کردند و افزودند: «گاهی فشار، نظامی است؛ –مانند آنچه ملت در دفاع مقدس دید و در ماه‌های گذشته نوجوانان و جوانان هم مشاهده کردند– و گاهی هم فشار اقتصادی با رسانه‌ای و فرهنگی و سیاسی است.» رهبر انقلاب، هوچی‌گری و جوسازی عوامل رسانه‌ای و مقامات سیاسی– نظامی غرب را نشانه فشار تبلیغی دشمن خواندند و گفتند: «هدف فشار‌های مختلف نظام سلطه بر ملت‌ها و در رأس آن‌ها ملت ایران، گاهی توسعه‌طلبی سرزمینی است؛ مانند آنچه امروز دولت آمریکا در آمریکای لاتین انجام می‌دهد.» ایشان افزودند: «گاهی نیز تسلط بر منابع زیرزمینی هدف است و برخی مواقع هم تغییر سبک زندگی و مهم‌تر از همه، «تغییر هویتی»، هدف اصلی فشار‌های سلطه‌گران است.»

ناکامی دشمن در تغییر هویتی ملت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به قدمت بیش از صدساله تلاش‌های زورگو یان جهانی برای تغییر هویت «دینی، تاریخی و فرهنگی» ملت ایران، گفتند: «انقلاب

ادامه از صفحه یک

در چنین شرایطی، ترکیه به دنبال یک سناریوی جدید در غرب آسیاست تا بتواند ضمن حفظ منافع بنادین خود در سوریه پس‌انداز، از حکومت جدید در برابر فشار‌های اسرائیل نیز دفاع کند؛ سناریویی که به دلیل ابعاد امنیتی خود، نیازمند حضور جدی و میدانی ایران است. در واقع، آن چیزی که وزیر امور خارجه و رئیس جمهور ترکیه را در کمتر از یک ماه به تهران می‌کشاند، سیلی واقعت در تحولات اخیر منطقه است؛ جایی که اردوغان خیال می‌کرد با تضعیف شبکه مقاومت به محورت ایران و تغییر حکومت در سوریه، می‌تواند کاخ سفید را به حمایت از دولت جدید در دمشق متمایل کند و از این طریق، جلوی پیشروی‌های راهبردی تل آویو در شام را بگیرد؛ اما حالا و بعد از سفر احمد الشرع به واشنگتن و دیدار چندین‌باره با دونالد ترامپ، این واقعیت آشکار شده است که اسرائیل حاضر برسمیت‌شنختن هیچ مرزی برای امنیت این رژیم نیست. در واقع، وضعیت کنونی سوریه نه تنها منافع ملی ترکیه را تقویت نکرده؛ بلکه بی‌ثباتی در این کشور، فضا را برای اقدامات رژیم علیه خود ترکیه نیز فراهم کرده است. در چنین شرایطی، آنکارا نیاز به همراهی تهران دارد؛ زیرا تنها بازیگری که هم در نظریه و هم در میدان، اثبات کرده که توانایی برهم‌زدن راهبردهای اسرائیل را دارد است، ایران است. هم در جنگ داخلی پیشین سوریه و هم در جنگ ۱۲ روزه، ایران نشان داد که در صورت طراحی واقعی برای انجام یک راهبرد، آن را به صورت عملیاتی اجرایی می‌کند و تل آویو، به تنهایی و بدون همراهی ایالات متحده، توانایی جلوگیری از تحقق آن را ندارد. این موقعیت، قطعاً یکی از نقاط برتری ایران در فضای امنیتی منطقه است و اعلام نیاز و همراهی ترکیه نیز می‌تواند برخی از گره‌های منافع ملی تهران در شرایط کنونی– نظیر جبهه پشتیبانی از مقاومت در لبنان– را باز کند. باین حال، باید توجه داشت که نگاه ساده‌انگارانه به برخی رویکردهای دیپلماتیک در جریان بن‌بست‌های میدانی در منطقه،



اسلامی همه آن کارها را بی‌نتیجه گذاشت و در دهه‌های اخیر نیز، ملت با تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی و پایداری در مقابل ادامه فشارهای گسترده دشمنانش، آن‌ها را ناکام کرده است.» ایشان گسترش مفهوم و ادبیات مقاومت از ایران به کشورهای منطقه و برخی کشورهای دیگر را یک واقعیت خواندند و افزودند: «برخی کارهایی که دشمن با ایران و ملت ایران کرد، با هر کشور دیگری می‌کند، آن ملت و کشور کن‌فیکون می‌شوند.»

فراتر از جنگ نظامی

رهبر انقلاب با اشاره به تأثیر زبنی مداحی در ماندگار شدن یاد شهیدان و تعمیق و گسترش مفهوم مقاومت در کشور، گفتند: «امروز فراتر از درگیری نظامی که شاهدش بودیم، در «کانون یک جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای» با جبهه وسیع دشمن قرار داریم؛ چراکه دشمن فهمیده است این شُلک و خاک و سرزمین الهی و معنوی، با فشار نظامی تسلیم و تصرف نمی‌شود.»

ایشان افزودند: «البته برخی مرتب احتمال تکرار درگیری نظامی را مطرح می‌کنند و بعضی هم عامدانه در این موضوع می‌دند تا مردم را دل به شک نگه دارند و دلپره ایجاد کنند که ان‌شاء الله موفق هم نمی‌شوند.»

لزوم آرایش رسانه‌ای مقابل دشمن

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «خط و خطر و هدف دشمن» را محور آثار، اهداف و مفاهیم انقلاب و فراموش شدن یاد امام خمینی (ره) دانستند و افزودند: «آمریکا در مرکز این جبهه وسیع و فعال قرار دارد، برخی کشورهای اروپایی در اطراف او هستند و مزدوران و خان‌ها و بی‌وطن‌هایی هم که در اروپا تلاش می‌کنند به نان‌ونوایی برسند، در حاشیه این جبهه قرار دارند.»

ایشان شناخت اهداف و «آرایش دشمن» را ضروری برشمرند و گفتند: «مانند

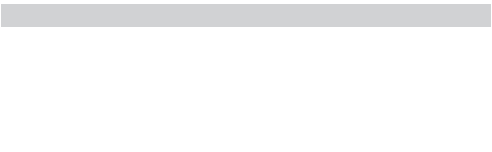


جبهه نظامی، در این درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای نیز باید آرایش خود را متناسب و نظم و طرح و هدف دشمن تعریف و بر نقاطی متمرکز شویم که او هدف گرفته است، یعنی «معارف اسلامی، شیعی و انقلابی».» رهبر انقلاب، ایستادگی در مقابل جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای غرب را دشوار؛ اما کاملاً ممکن دانستند و گفتند: «در این مسیر، مداحان، هیئت‌ها را به کانون پابیندی به ارزش‌های انقلاب تبدیل کنند و باقدردانی از اقبال نسل جوان به مداحی و هیئت، این نسل عزیز را در مقابل اهداف دشمن لجرح و حیثیت و دارای امکانات، مصون نمایند.»

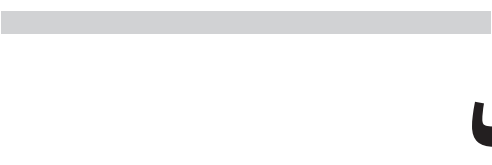
توصیه‌هایی به مداحان

رهبر انقلاب سخنانشان را با چند توصیه به مداحان تکمیل کردند. تبیین معارف دینی و معارف مبارزاتی تا تکیه و استناد به زندگی همه انمه‌هدی(ع)، حمله به نقاط ضعف دشمن به موازات دفاع مؤثر در مقابل شبهه «فریتی‌های او، تبیین مفاهیم قرآنی در عرصه‌های مختلف شخصی، اجتماعی، سیاسی و چگونگی رویارویی با دشمن» از مهم‌ترین این توصیه‌ها بود.

ایشان تأثیر یک نوحه خوش ساخت و خوش مضمون را گاهی بیشتر از چند منبر و سخنرانی خواندند و گفتند: «مداحان مراقب باشند آهنگ‌ها و فرهنگ دوران طاغوت در مجالس و محافل آن‌ها ره پیدا نکند.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پایان سخنانشان با اشاره به سخنان یکی از مداحان درباره مشکل گروغبار خوزستان گفتند: «این را جمله کوچکی‌ترین مشکلات است و کمبودها و مشکلات در سراسر کشور زیاد است؛ اما ملت روزبه‌روز با ایستادگی، صدق و صفا و خیرخواهی و عدالت خواهی، برای اسلام و ایران آبرو و قدرت ایجاد می‌کند و به توفیق الهی، کشور در حال حرکت، تلاش و پیشرفت است.» در ابتدای این دیدار ۱۱ نفر از ستایشگران اهل‌بیت(ع) به شعرخوانی و مدیحه‌سرایی پرداختند.



نیز مجموعه امنیتی منطقه را برای بازیگری پررنگ‌تر اسرائیل آماده کرد. حالا حدود هشت سال از آن ماجرا می‌گذرد و ترکیه مجدداً به دنبال یک ابتکار دیپلماتیک برای نجات خود از وضعیت سوریه است. شرایطی که اگر ادامه داشته باشد، نه فقط سوریه بلکه خود ترکیه به یکی از اهداف اصلی آسیب در منطقه تبدیل خواهد شد. در این وضعیت، حتماً همراهی ایران می‌تواند علاوه بر کمک به ترکیه به‌عنوان یکی از کشورهای اسلامی و تقریباً همراه با کشورمان، ماشین تجاوزه اسرائیل را نیز کند یا متوقف کند. به همین دلیل حتماً باید از سفر اخیر فیدان و سفر پیش روی اردوغان به تهران، استقبال کرد و خواستار اتخاذ یک رویکرد هوشمندانه دیپلماتیک برای ائتلاف میان تهران و آنکارا بود؛ اما تاجر به توافق آستانه نیز نباید از خاطر دستگاه دیپلماسی ایران پاک شود. تجربه آستانه نشان داد که در تعامل با آنکارا در موضوعات مرتبط با سوریه «اید» تغییر ویژه‌ای داشت و صرفاً با حسن نیت و خوش‌بینی وارد ماجرا نشد. اگر ترکیه خواهان بازیگری مؤثر ایران در تثبیت نظام جدید سوریه است، این اقدام باید با ارائه تضمین‌های امنیتی واقعی و میدانی به ایران و همچنین جبران آسیب‌هایی که بازیگری آستانه تهرانه در یک سال اخیر، شبکه مقاومت را هدف قرار داده است، باشد. حتماً دشمن تهرانه یک و بدون دلیل امنیت واحدهای سیاسی در غرب آسیا، رژیم اسرائیل است و هرگونه ائتلاف برای مقابله با تل آویو، باید در دستور کار دستگاه دیپلماسی کشورمان باشد؛ اما اگر این واقعیت مهم و راهبردی بدون درنظرگرفتن واقعیات میدانی درک شود، نتیجه‌ای همانند توافق آستانه خواهد داشت که با یک ظاهر دیپلماتیک، منافع ملی ایران مورد هدف قرار گرفت. در مجموع باید گفت که «آستانه ۲» می‌تواند و باید شامل جبران خسارات آستانه ۱ باشد؛ یعنی امتیازی که آنکارا به دنبال در یافت آن از تهران است، باید در برابر یک هزینه نقد– و نه نسبه و موکل‌شده به آینده– صورت بگیرد.



دفاع از هویت دینی و معارف انقلابی لازم است. دل‌بستن به آموزه‌های غرب و دوری از آنچه خود داریم، طبعاً مسیری است که دشمنان می‌پسندند و رویاهایی را می‌سازد که هیچ‌وقت نقد نخواهند شد. اگر فهم شود که دین با هویت ملی ایرانیان گره‌خورده و نمی‌شود ایرانیت و اسلامیت را جدا از یکدیگر به تصویر کشید و فهم شود که قدرت ایرانیان از قوت هویت دینی و انقلابی نشئت گرفته، آنگاه تمام‌د برابر هدف قرارگرفتن معارف دین و انقلاب می‌ایستیم. مشکل آن است که برخی حمله دشمن به انسجام ملی را در محور پیایند و برخی هم حمله دشمن به دین ملت را؛ و حتی اصل جنگ را درک نکنیم، فهم آرایش رسانه‌ای درست هم نخواهیم داشت. شاید خیلی زمان از دست‌رفته باشد؛ اما می‌شود از ضرر در آینده جلوگیری کرد و ما اهل رسانه و مجازی به جای نقدهای ناشی از ناآگاهی نسبت به نوع آرایش نظامی، نگاهی به خود و حوزه تخصصی خود یعنی کار تبلیغی و رسانه‌ای برای ایران کنیم و از خود برسییم آیا آرایش رسانه‌ای ما در مقابل هدف‌گذاری دشمن برای حمله به هویت دینی، تاریخی و فرهنگی ایرانیان درست بوده است؟ آیا آن قدری که موشک‌های نظامی در حمله به حیفاً و تل آویو توانستند جهت جنگ ۱۲ روزه را تغییر دهند، قلم‌های ما توانسته در امر تبلیغ برای مفاهیم هویتی و معارف دینی و انقلابی موفق باشند و رسانه‌مان را نه فقط محمل اطلاع‌رسانی که ابزاری برای دفاع و پیش‌برد جنگ کرده باشد؟

یک ورزشکار پناهنده که کنش سیاسی هم داشت به کشور بازگشت؛ راه برای ایرانیان خارج کشور باز است

عاطفه در آغوش ایران

عاطفه احمدی، اسکی‌باز برجسته ایرانی و تنها زن حاضر در کاروان ایران در المپیک زمستانی پکن، پس از حدود سه سال زندگی در آلمان و رقابت زیرپرچم این کشور، با انتشار پستی در اینستاگرام از بازگشت دائمی خود به ایران خبر داد. او نوشت: «من در کشورم ایران حضور دارم، قطعاً کشورم، خاکم، وطنم امن‌ترین جای دنیا برای من هست.» او اضافه کرد که با «حمایت و کمک‌های مقام معظم رهبری به کانون گرم خانواده» برگشته است. احمدی که در مسابقات آناتولی کلب، موفق به کسب مدال طلای اسکی آبپان در ۱۶ سالگی شده و نخستین طلای برون مرزی زنان ایران را به دست آورده بود با یک جمله ساده، بزگ‌ترین پیام ممکن را به همه ایرانیان خارج از کشور داد: «وطنم امن‌ترین جای دنیا برای من است.» این جمله فقط احساس شخصی یک ورزشکار نبود؛ واقعیتی بود که اوبعد از سه سال تخر به تلخ مهاجرت به آن رسید. واقعیت این است که در خانه باز است مگر برای کسانی که خودشان کلید را شکسته و به دشمن داده‌اند.

بن‌بست اپوزیسیون

بازگشت احمدی نشانه‌ای رویشت است از اینکه در کمپین‌ها خارج نشین ضدایرانی خبری نیست و مادری به نام وطن همچنان گرم‌ترین آغوش را به روی فرزنداناش گشوده است. سه سال زندگی در خارج از کشور به احمدی نشان داد پیوستن به کمپین‌های پرسروصدا و تو خالی اپوزیسیون برای ورزشکاران و هنرمدان مسیری جز «بن‌بست» نیست. او که باسابقه حضور در المپیک، ایران را ترک کرده بود در آلمان نه تنها پیشرفت چشمگیری نکرد؛ بلکه عملاً از چرخر رقابت‌های جدی کنار گذاشته شد. او در این مدت درک کرد که اغلب شعارهای رنگارنگ اپوزیسیون تنها در حدوده می‌ماند و واقعیت چیزی جز انزوا، مشکلات مالی و از دست رفتن هویت فرهنگی نیست. بازگشت عاطفه احمدی می‌تواند آغازگر موجی از بازگشت ایرانیان باشد؛ کسانی که اقدام فاحشی علیه امنیت ملی در کارنامه ندارند و صرفاً متأثر از برخی هیجانات مقطعی درخواست پناهندگی داده‌اند. این افراد سرمایه انسانی کشورند. استمدادشان و تخر به‌شان می‌تواند در داخل کشور چند برابر ارزش پیدا کند.

ترس زدایی از بازگشت

بسیاری از ورزشکاران و هنرمدانی که از ایران رفته‌اند، از بازگشت می‌ترسند. کسانی که صرفاً مهاجرت ورزشی یا هنری کرده‌اند و اقدامی فاحشی علیه امنیت ایران نداشته‌اند، نباید انگاری خاصی از برخورد قضایی داشته باشند. بخش بزرگ‌تر این ترس را اما اپوزیسیون خارج نشین، تروریت‌ها و حلقه‌های امنیتی وابسته به غرب به‌طور عمدی ایجاد و تقویت می‌کنند. این گروه‌ها به خوبی می‌دانند هر ایرانی که به کشور بازگردد ضرر برای مستقیم به پروژه ایران‌هراسی آن‌ها وارد می‌کند. بنابراین با بزرگ‌نمایی و شایعه‌پراکنی در مورد تبعات بازگشت به ایران تلاش می‌کنند فرامهاجر را در خارج نگه‌دارند و از ابوابی پروژشان استفاده کنند. وقتی ورزشکار یا هنرمدنی در غرب بیکار می‌ماند و با مشکلات مالی رویرو می‌شود، همین گروه‌ها او را به کمپین‌های ضدایرانی وارد کرده، مصاحبه‌های جیت‌دار می‌گیرند و در عرض به آن‌ها وعده یوح در مورد تأمین هزینه‌های زندگی می‌فرشند. دلیل تلاش برای نگهداری هنرمدان و ورزشکاران خارج‌شده صرفاً همین سوءاستفاده از رزناسیاسی است.

چوب حراج به حرفه و تخصص

احمدی زمانی ایران را ترک کرد که حضورش در المپیک پکن او را به نماد موفقیت زنان ورزشکار ایرانی تبدیل کرده بود. اما در آلمان با همه امکاناتی که تصور می‌کرد در انتظارش است، عملاً هیچ دستاورد قابل توجهی نداشت؛ نه مدال مهمی، نه حضور در رویدادهای بزرگ و نه حتی تداوم پیشرفت فنی. سه سال بهترین دوران ورزشی یک اسکی‌باز حرفه‌ای به‌حدرقت. این تجربه برای بسیاری از ورزشکاران ایرانی دیگر که طی سال‌های اخیر پناهنده شده‌اند تکرار شده است. آن‌ها می‌روند به امید امکانات بهتر، مربیان سطح بالاتر و حمایت مالی؛ اما در عمل با تبعیض، بی‌توجهی و حتی سوءاستفاده مواجه می‌شوند. وقتی زیرپرچم کشور میزبان هم رقابت می‌کنند، اغلب به‌عنوان ورزشکار درجه چندم دیده می‌شوند و جایی در تیم‌های اصلی پیدا نمی‌کنند. داستان هنرمدان مهاجر هم تفاوت چندانی با ورزشکاران ندارد. بسیاری از بازیگران و اهالی هنر که طی سسال‌های اخیر از کشور رفته‌اند در خارج از ایران با انزوا کامل مواجه شده‌اند. سال‌های اجاری کوچک، اجبار به تغییر سبک برای جلب توجه مخاطب، مشکلات اقامت و وابستگی مالی به گروه‌های اپوزیسیون آورده‌خروج از کشور برایشان بوده است. برخی از آن‌ها که روزی در ایران ستاره بودند حالا در غربت به دنبال کار معمولی می‌گردند یا مجبورند در برنامه‌های سیاسی شرکت کنند تا هزینه زندگی‌شان تأمین شود.

پل امن بازگشت

یکی از بهترین راه‌های بازگشت ترس ایران‌دوستان نه آن‌هایی که اقدام ساختاری علیه کشور کرده‌اند، این است که نهادهای مسئول خود به‌عنوان «میانجی» و «ضامن بازگشت» عمل کنند. همین که یک ورزشکار یا هنر مند بداند می‌تواند از مسیر رسمی و با تضمین نهادهای مسئول به کشور بازگردد، بزرگ‌ترین مانع روانی را از بین می‌برد. این مسیر رسمی، همچنین دست اپوزیسیون خارج نشین را برای شایعه‌پراکنی و ترساندن می‌بندد. حالا که عاطفه احمدی با ااشا صریح به «حمایت و کمک‌های مقام معظم رهبری» بازگشته، یعنی این مسیر به‌صورت ساختار یابی و علنی برای دیگران هم باز است. ایران خانه همه ماست و کسی که در سساختار امنیتی ضدایرانی حل شده باید بداند از بازگشتش جلوگیری نمی‌شود. این پیام باید علاوه بر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بارها از زبان خود ورزشکاران و هنرمدان بازگشته تکرار شود تا ترس القابی اپوزیسیون از بین برود.

استثنا هم داریم

علی‌رغم باز نگه داشتن باب بازگشت باید یک استثنای روشن و غیر قابل مذاکره قائل شد. همه مهاجرت‌ها و احیاناً اعلام پناهندگی هایکسان نیستند. برخی افراد در خارج از کشور به ایزار اصلی پروژه‌های تبلیغاتی و امنیتی علیه ایران تبدیل شدند. قطعاً کسانی که با ایجاد تصویر غلط از توان اپوزیسیون برای به خیابان کشیدن مردم، به رژیم صهیونیستی و آمریکا چرخ‌چاسبز نشان دادند تا جنگ را به ایران تحمیل کنند و بیش از هزار نفر از هموطنمان را به شهادت برسانند، جایی در ایران ندارند. کسانی که صراحتاً از حمله نظامی به ایران حمایت کردند، در کنار نتانیاهو و ترامپ، دشمنان به خون مردم آلوده است. حکایت این جماعت از بقیه جداست. مثلاً فردی که زمانی در ایران بود می‌گفت حاضر است ۸۰ میلیون ایرانی را فدای زندگی فرزندش کند، عملاً به نهادهای امنیتی غرب اعلام کرد آماده همکاری علیه کشورش است. این فرد که از حمله رژیم صهیونیستی به ایران حمایت کرد، دیگر نمی‌تواند مشمول پروژ به بازگشت بی قید و شرط شود. کنش‌های این فرد و امثال او بخشی از یک بازی بزرگ‌تر بود که هدفش ایجاد آشوب داخلی و مشروعیت بخشی به تجاوز خارجی بود. برای این دسته بازگشت باید با محاکمه عادلانه و متناسب با میزان خسارتی که به کشور وارد کرده‌اند همراه باشد. نمی‌توان کسانی را که آگاهانه در ریختن شدن خون هموطنانشان نقش داشته‌اند با کسانی که صرفاً به امید زندگی بهتر رفته‌اند یکسان دانست. این تمایز برای حفظ اعتماد عمومی به پروژه بازگشت هم ضروری است. اگر مردم ببینند افرادی با دست‌های آلوده بدون مجازات به کشور بازمی‌گردند اعتمادشان به کل پروژه بازگشت خدشه‌دار می‌شود و چه‌جا سائیرین نیز این تصمیم را بگیرند که برای کسب در آمد و پروژهای ضدایرانی شده و در ادامه در خواست بازگشت بدون هزینه بدهند.